



- عنصری از دنیای فانتاستیک در دنی ای واقعی جلوه می‌کند (گیمایدی در حال خواندن کشته و عبور دستگان دنده‌دار در آسان سفاهات ۹ و ۱۰) در بابان روایت دوباره کشکر اصلی، به تابیخی قوتو (به خانه خاله پتوتا) بازمی‌گردید. به این ترتیب داستان از سه پاره تشکیل شده است.
۱. زندگی هری در کنار همو ورزز و خاله پتوتا و دادی و وود چوی به مردمه جاذگ‌گرا
۲. بازگشت به خانه کوئانترینین برای داستان اس.
۳. طرح شناسی پاره تختست.
- قصه سیصدرا (حکاست نشین) از مهم‌ترین افسانه‌های پریان است که سایه‌ای کهن دارد.^۷ سیصدرا قصه ملی‌گرگها و امدهای است که به موضوع رقابت و حسابات داستان درباره قهرمان تحقیر شدهای است که سراج‌جام، بر خواهارانی که او را خوار شمرده‌اند، پرسود می‌شوند. عالمی «حکاست نشین» بودن، این است که رسی با خذیر، نسبت به برادرها و خواهارها در موقعیت پست‌تری قرار دارد. برای مثال در آلمان قصه‌های وجود داشت که در آنها پسر حاکسترنشین به پلاشانی می‌رسید و این همان سروشویی است که خدر قهرمان قصه (سیصدرا) دیدی.^۸
- افسانه‌های پریان، روایت برادر و خواهر را به روایت میان برادران و خواهران نانی
- فانتزی هری پاتر و سنگ جادو، یک فانتزی فارزی و از گونه فانتزی‌های ناب است که در سرمهین‌یاری تخلیه و چنان‌یاری ایاضن شکل می‌گیرد.^۹
- این فانتزی که از ویژگی‌های باز و روانست این میانه نیوهای خیر و خوش و جست و جو براز گشتفت استه در زرف ساخت خود به موضوع «هویت‌الایی» و جست و جو خوشتن می‌پردازد.
- پره‌گردی از الگوهای کهن**
هری پار، به عنوان فرماندهی قرق شیری (اسطوفه قیومان) معروف می‌شود او اینها کس است که حتی والد مورت، یعنی قدرتمندترین جاگر، قدر به از میان بویش نیست. به همین دلیل از همان کوکی، درین جاگرگان شهرت می‌باشد.
- مخاطب از زبان اسلامی، جاگر یکگزی که نقش هایاتگر (بیر خردمند) را برای هری ایفا می‌کند می‌شنود که ملیل بن ابریون قدرت جاگوی ولد مورت و زنده مائین می‌پردازد.
- هری، عشق مادری (اسطوفه مادر) است که در زمان خطر، او را در باب خود حفظ کرده است.
- طرح مغلوب**
طرح داستان، حلقوی و باگشتن است. به این صورت که ابتدا با دنیا فرود (دنبی) واقعی اشنا می‌شود. (زندگی هری در خانه خالاشار) و بیس به تدریج به دنیا فانتزی قدم می‌کاریم (از هنگام ورود هری پار، به مردمه جاذگ‌گرها) البته، خودت و

جایی که علم و جادو همسان می‌شوند

عنوان کتاب: هری پاتر و سنگ جادو

نویسنده: جی. کی. رولینگ

متراجم: سایه هومان

ناشر: نشر باز تو

پیغام: اول: ۱۳۷۹

شماره‌گان: ۳۳۰۰: سی سخه

تعداد صفحات: ۳۹۵: صفحه

بها: ۲۲۰ تومان

تبدیل کرده‌اند تا شاید بغض و عداوی، را که همه آزو زارند میان برادران و خواهران واقعی اشوند و می‌خواهند. بهتر نیست که سیاست‌گذار از سوی خواهان تلقی تحقیر می‌شود و نامادری مغایظ او را فلای می‌دانند.

طرح پاره نخست داشتن هری پاره، از افسانه سیپنده (ختر خاکسترشن) الهام گرفته است. هری پاره نیز مانند سیپنده، با جهاز و خلاصه دوم خود روپروردی شود و مثل او با کمک بروی توپون، به اوج موقوفت میرسد.

قصه، نراسامانی ذهنی و طرز عاطفی را شرح می‌دهد به هری، این توجهی می‌شود و از اینبین عاطفی و روانی، در خانه خالقان بی‌جهة است. حتی به زیارت‌جسامی او نیز توجهی می‌شود.

طرح شناسی پاره دوره:

(الف) مبارزه برووهای خیر و شر:

با ورود هری پاره به درسسه جادوگرها، مخاطب با معیارهای ارزشی آن اشنا می‌شود که در دو قابلیکی بگیرد قرار گرفت در این درسسه، برای برویزی همان راه را در می‌گردید. برای قانون نکنی همان راه را در می‌شود. چنین دیگری از نمایش نیز نیکی و بدی، در موضع گیری‌ای درگاه‌کنواری و دوستاش را برای هری بیچن می‌شود.

اما مبارزه هری پاره، به عنوان قهرمان اسطوره‌ای (تیتوی شر) در برابر دامور و (تیتوی خیر) در برابر خالقان بی‌جهة است. و سرانی که در برابر جامه خالقان، زیرا که دامور است، باعث خودانی و اعطا نیز نیکی و بدی باشد.

جمعه جادوگران نسلط پاره:

پیاران: مبارزه اصلی هری پاره، با دامور است. که جادوگری پرقدرت است صورت می‌گیرد.

(ب) مبارزات فرعی هری پاره، با متفاوت. که شکل مقابله با متفاوت، بازی یا رقابی (ازی کوتینجه).

در آن کفت: می‌کنم باید به جای مهدوها بایزی تکیم، او به طرف کی شوالیه (آسویا) بر سر سله سه گام برداشت. دشتن را روی اسب شوالیه کاشت. بافلامه اسب زنده شد. زمین را با سوهانهای کشید.

هزار یک آسیات سیز برداشت و با خاطیله گشید آن گافر (ایلان) کلم روپلک بود. موقوع در سرزمین جادوگران. این موقوعه «رام» خوش را می‌گیرد. مرهزایی که گیر هری امداد آن تست سنت ناریکل ایونی خود، توغت‌فرنگی کاری، چیزی قیوه و سارین بود. سیس معلم دند فلفل را و یک آسیات حاکسترنی چشید که ران هیچ وقت جرات امتحان کردن آن گافر نداشت. (صحنه ۳۳)

وقد گفت: حالا که شکنی را توپون می‌دهم که بالاچرا جخار می‌کنند. این ها نا بالجر هستند. شکن داد هری متوجه شد که این نوبت شرمنی می‌کند بخاطیله که آنها درون روزند. شکن داد هری متوجه شد که این نوبت شرمنی می‌کند بخاطیله که آنها درون ای را بالاچرا را گرفت. کرد و در هری اختلال درد: «تفقی بایست» او خم شد و گفت هری شنانه رفت... (صحنه ۳۷)

در این چا بای شکنی را توپون می‌شوم که به نوعی، به پیشرفت علمی اینده اشاره دارد. و سراختم در راه آخر امتحان که بازگشت به خانه و دنیا واقعی را در می‌گردید. هری پاره به خودشان می‌رسد. او به دلیل مجهز شدن به جادو (اگاهی و شناخت) نوایان رهی و رویی با خادوادان را پیدا می‌کند.

پایان‌نوشت:

۱. فائزی در ادبیات کودکان - محمد محمدی
۲. اقتدارهای افسون شناختی

